

مناسبات ایران و تاجیکستان

از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ میلادی

بررسی مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

نویسنده:

م. پ. ر. باب



انتشارات بوتیا

ارباب، منوچهر، ۱۳۵۰-

مناسبات ایران و تاجیکستان از ۱۹۹۱ تا ۱۳۵۰ میلادی: بررسی مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

مشتصات نشر: کرمان: بوتیا، ۱۳۹۸.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: ایران، روابط خارجی، تاجیکستان، قرن ۱۴

مشتصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۵۱۵۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۲-۷۱۰۲-۰۱-۷

رده بندی کنگره: DSR۱۶۵۶

رده بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵۰۵۸۶

بوتیا
انتشارات بوتیا

کرمان: خیابان شهید مصطفی حسینی (۵۰) - بافصل کوچه ۵۹ و ۶۱

مناسبات ایران و تاجیکستان از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ میلادی

(بررسی مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی)

نویسنده: منوچهر ارباب

ویراستار علمی و ادبی: مرتضی غلامیان

طراح جلد: امیرمحمد حسن‌پور

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

چاپ و صحافی: بوتیا

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۰۲-۰۱-۷

حق چاپ برای ناشر و نویسنده محفوظ است.

درآمد.....	۱
فصل اول آسیای مرکزی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۷
مبحث اول؛ آشنایی با آسیای مرکزی.....	۸
گفتار اول؛ جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی آسیای مرکزی.....	۹
گفتار دوم؛ اهمیت آسیای مرکزی.....	۱۴
مبحث دوم؛ ایران آسیای مرکزی.....	۲۳
گفتار اول؛ آسیای مرکزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۴
گفتار دوم؛ ظرفیتهای همگرایی منطقه‌ای ایران و آسیای مرکزی.....	۲۶
جمع‌بندی.....	۵۱
فصل دوم؛ آشنایی با تاجیکستان.....	۵۳
مبحث اول؛ پیشینه تاریخی کشور تاجیکستان.....	۵۵
گفتار اول؛ از دوره پیش از اسلام تا استقلال.....	۵۵
گفتار دوم؛ تاجیکستان پس از استقلال.....	۵۷
مبحث دوم؛ جغرافیای طبیعی.....	۶۱
مبحث سوم؛ اقوام، نژادها، زبان و خط.....	۶۳
مبحث چهارم؛ جغرافیای انسانی.....	۶۵
مبحث پنجم؛ دین و مذهب.....	۶۹
مبحث ششم؛ فرهنگ.....	۷۱
مبحث هفتم؛ حکومت، سیاست و روابط خارجی.....	۷۵
گفتار اول؛ حکومت.....	۷۵

۸۳.....	گفتار دوم؛ سیاست و روابط خارجی تاجیکستان
۸۷.....	مبحث هشتم؛ اقتصاد و تجارت
۸۸.....	گفتار اول؛ صادرات
۸۹.....	گفتار دوم؛ واردات
۸۹.....	گفتار سوم؛ وضعیت کشاورزی
۹۰.....	گفتار چهارم؛ صنایع و معادن
۹۱.....	گفتار پنجم؛ تجارت خارجی
۹۲.....	جمع‌بندی
۹۳.....	فصل سوم؛ بررسی دینامیک‌های ایران و تاجیکستان
۹۴.....	مقدمه
۹۵.....	مبحث اول؛ دلایل اهمیت رابطه ایران با تاجیکستان
۹۶.....	گفتار اول؛ بعد سیاسی و ژئولیتیک
۹۸.....	گفتار دوم؛ مناسبات فرهنگی ادوار تاجیکستان تا استقلال این کشور
۱۰۵.....	مبحث دوم؛ مناسبت دو کشور پس از استقلال تاجیکستان
۱۰۶.....	گفتار اول؛ عوامل سیاسی موثر در روابط ایران و تاجیکستان
۱۲۳.....	گفتار دوم؛ مناسبات اقتصادی
۱۳۰.....	گفتار سوم؛ مناسبات فرهنگی
۱۴۴.....	مبحث سوم؛ ادوار روابط ایران و تاجیکستان
۱۴۵.....	گفتار اول؛ دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی
۱۵۰.....	گفتار دوم؛ دوره ریاست جمهوری خاتمی
۱۵۳.....	گفتار سوم؛ دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد
۱۵۷.....	برآمد
۱۶۱.....	منابع و مآخذ

درآمد

جمهوری اسلامی ایران در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه آسیای مرکزی، مواجه با فرصت‌ها و چالش‌هایی است که شناخت صحیح از آن‌ها می‌تواند راهگشای اتخاذ یک سیاست خارجی پویا و عمل‌گرایانه باشد. در حوزه سیاسی، جمهوری اسلامی ایران، کشوری است با ملاحظات ملی (صرفاً مربوط به سرزمین ایران) و فراملی (عمدتاً مربوط به سرزمین اسلامی). به عبارت دیگر، در اینجا هم منطق دولت-ملت و هم منطق دین یا به عبارتی ایدئولوژی، حائز اهمیت است. ایجاد نوعی موازنه میان این دو منطق که در برخی موارد، متناقض می‌نماید، وظیفه‌ای بسیار دشوار بر دوش سیاست‌گذاران ایران^۱، به ویژه در عرصه سیاست خارجی است.^۲ از سویی دیگر به موازات این کشمکش نظاری سیاست خارجی ایران در ابتدای دهه ۹۰ میلادی و همزمان با تغییر ساختار نظام بین‌الملل با فرصت‌ها و چالش‌های نوینی روبه‌رو گردید که ظهور پنج جمهوری مستقل در منطقه آسیای مرکزی را می‌توان یکی از مهم‌ترین آنها دانست. اما به رغم پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، تاکنون، سیاست خارجی ایران نتوانسته است از جایگاه مطلوب، برتر و مورد انتظار در منطقه آسیای مرکزی، برخوردار گردد.

در ابتدای دهه ۹۰ میلادی و در دوره سازندگی، جمهوری اسلامی کوشید به عنوان میانجی برای حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای عمل کند. در ایران قره باغ (بین ارمنستان و آذربایجان در قفقاز) و تاجیکستان با چین رویکرد، وارد عمل شد و به گسترش روابط اقتصادی، ایجاد شالوده ارتباطی و فعالیت‌های فرهنگی در چهارچوب نظام‌های سیاسی جدید پردازد. دید و بازدیدهای مقامات دو طرف و براندازی خط هوایی میان تهران و مراکز جمهوری‌ها در این دوره جریان داشته است. خط آهن

^۱ - حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۸۴، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای.

تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص ۱۴.

سرخس- تجن برای احیای جاده ابریشم و عضویت کشورهای منطقه در اگو، مهم ترین فعالیت ایران در این سال ها بود.^۱

از میانه دهه ۹۰ میلادی به بعد به دلیل فقدان یک تعریف روشن از نقش ایران در منطقه آسیای مرکزی، احیای قدرت روسیه و تسلط بیشتر این کشور بر تحولات این منطقه و تضاد جغرافیای سیاسی آمریکایی با جغرافیای سیاسی ایرانی موجب تضعیف تدریجی جایگاه ایران در منطقه گشت. به طور کلی، در طول سال های اخیر، سیاست ایران در اوراسیای مرکزی، متأثر از شرایط پس از جنگ و محدودیت های بین المللی باقی مانده است. ایران در این سال ها به سبب نیاز به فن آوری های نظامی و غیر نظامی و رأی روسیه در نهادهای بین المللی، از هر اقدامی که وضع موجود را به چالش بطلبد، خودداری کرده است. با این رویه، در نقش مرکز تمدن اسلامی و یا انقلاب اسلامی و نه در نقش محور حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی عمل کرده است. در مجموع می توان سیاست ایران را در منطقه، بیست و هفده سال اخیر (از انقلاب تاکنون)، محتاطانه، حفظ وضع موجود و حرکت در محدوده سیاست خارجی روسیه دانست و هیچ ابتکار عملی را نمی توان در آن مشاهده نمود. بنابراین، در حوزه سیاسی، ضرورت بازنگری کلی، اما تدریجی و ارائه تعریفی روشن و دقیق به سیاست خارجی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی با توجه به واقعیت های ملی، منطقه ای و محیط بین المللی، بیش از هر زمان دیگری احساس می شود. در حوزه اقتصادی نیز ایران در سطح دوجانبه و منطقه ای می تواند همکاری های مطلوبی با کشورهای آسیای مرکزی داشته باشد. مهم ترین مزیت اقتصادی ایران نسبت به تمامی رقبای اقتصادی در این منطقه، برخورداری از کوتاه ترین، امن ترین و باصرفه ترین کانال ارتباطی با آب های آزاد و نیز

^۱ - کرمی، جهانگیر، ۱۳۸۷، ایران و اوراسیای مرکزی: آشفتگی نقش و عملکرد، دو فصلنامه مطالعات

اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشگاه تهران، شماره ۱، ص ۵۴.

^۲ - کرمی، همان، ص ۵۷.

کشورهای خاورمیانه و اروپایی است. گسترش رایزنی‌ها و برگزاری سمینارها و جلسات دوجانبه و منطقه‌ای برای معرفی هر چه بیشتر این مزیت، رفع برخی سوء تفاهمات و تبلیغ‌های ضد ایرانی، به ویژه در رابطه با ناامن بودن راه‌های ایران و از همه مهم‌تر، سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه زیرساخت‌های ارتباطی، به ویژه در دو حوزه ریلی و جاده‌ای از اولویت‌های ایران در حوزه اقتصادی به شمار می‌رود. نکته مهم دیگر، تمرکز ایران بر حور، هایی است که با حجم سرمایه‌گذاری و سطح تکنولوژی و فن‌آوری شرکت‌های ایرانی، همخوانی داشته باشد. از این رو، تمرکز بر حوزه‌هایی مانند سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و راه‌سازی (با توجه به تجربیات ارزشمند سال‌های اخیر در ایران) می‌تواند از اولویت برخوردار باشد.

در حوزه فرهنگی، ایران با توجه به اشتراکات فرهنگی گسترده در عین توجه به تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند از پیله‌اسی عمومی در چهارچوب قدرت نرم در این منطقه بهره‌گیرد. از تمام زیرسیستم‌های منطقه‌ای و در مقایسه با مناطقی مانند قفقاز با تسلط فرهنگ اروپایی و یا زیرسیستم خلیج فارس با کنترل فرهنگ عربی، تنها منطقه آسیای مرکزی است که چنین فرصتی را می‌تواند در اختیار ایران قرار دهد. از این رو در بیش از سه حوزه دیگر، یعنی سیاسی، امنیتی و اقتصادی باید جانب احتیاط را رعایت نمود و در ترسیم هرگونه چشم‌اندازی می‌بایست به مؤلفه‌های فرهنگی و تمدنی ایران به عنوان مهم‌ترین عامل در پیشبرد سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی توجه کرد؛ چرا که «تحولات سیاسی در ایران را نباید بر مذهب اسلام - و نه مسائل فرقه‌ای شیعی یا سنی - بستر مناسبی را برای همکاری نمایی، ضمن شناسایی تمایزهای فرهنگی در توسعه داخلی، به وجود آورده است. مینا قرار گرفتن اعتقادات بومی جهت فعالیت‌های سیاسی این کشور نباید با پویش‌های افراطی - انقلابی توأم باشد. تحول پیشرونده به جای تغییرات افراطی، آینده این کشور را رقم خواهد زد. چنین استراتژی انقباضی با بافت نظم نوین جهانی، هم‌آهنگی سامان بخشی دارد. تأکید

بر فرهنگ بومی می تواند زمینه سالمی برای روابط متقابل در زمینه تمدنی ایجاد کند.^۱ لذا در این نوشتار تلاش می شود تا رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در حوزه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در مواجهه با کشورهای فوق الذکر با محوریت تاجیکستان، در سه دولت هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد را مورد بررسی قرار گیرد.

با عنایت به مطالب فوق، سئوالاتی از این قبیل مطرح می شود که روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی خصوصاً تاجیکستان چگونه مستحکم تر شده و تعمیق خواهد یافت؟ اهمیت تاجیکستان برای جمهوری اسلامی ایران در چه مواردی است؟ چگونه می توان پی بر که کوری قابلیت توسعه روابط را دارد؟ نقش و پیشینه فرهنگی کشورها چه میزان بر روابط با آن کشورها تاثیر گذار است؟

شایان ذکر است که در این نوشتار، مفاهیم ذیل مورد بررسی قرار گرفته است :

۱. جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک گرای):

یکی از راهکارهای حل بحران های موجود در جهان همگرایی با استفاده از الگوی منطقه گرایی یا ژئوپلیتیک گرایی است. دلایل دیگری علاوه بر این مسئله در منطقه گرایی و شکل گیری آن نقش دارند مانند وجود منافع مشترک، احساس تهدید و دشمن مشترک، استفاده بیشتر از توان موجود در منطقه و افزایش قدرت و جایگاه در عرصه جهانی که با استفاده از اتحاد و ائتلاف بین چند کشور در منطقه صورت می پذیرد. منطقه گرایی با انگیزه و اهداف گوناگونی شکل می گیرد که یکی از آنها جنبه اقتصادی می باشد.^۲

^۲ - سیف زاده، سید حسین، بهار ۱۳۷۷، "آسیای مرکزی: همگرایی منطقه ای، توسعه ملی و نقش ایران در آن"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ش ۴۰.

^۵ - حافظ نیا، محمد رضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۳۲.